

نقد و ارزیابی ترجمه آیه قصاص (بقره/۱۷۸) بر اساس روایات اهل بیت (ع)

حبیب‌الله حلیمی جلودار،^{۱*} رضا آقاپور،^۲ محمدحسین شیرافکن،^۳ سیدمهدی موسوی^۴

۱. دانشیار گروه قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۲. استادیار گروه قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۳. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علم و فناوری، مازندران، بهشهر، ایران.

۴. دانش آموخته دکتری قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۲

پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۱۷

چکیده

ترجمه، مهارتی در راستای برگرداندن سخن و انتقال معنای کلام از زبان مبدأ به زبان مقصد است، به گونه‌ای که تمام مقاصد متن اصلی و مبدأ را دارا باشد. برای این منظور و رسیدن به مفهومی نزدیک به زبان مبدأ، خصوصاً در متون مقدسی مثل قرآن، بی‌نیاز از نگاه به قرائن موجود و استمداد از سایر منابع کمکی نیستیم. اختلاف مترجمان معاصر، در ترجمه آیه ۱۷۸ سوره بقره (آیه قصاص) در دو عبارت «فَاتَّبَعُ بِالْمَعْرُوفِ» و «فَمَنْ اغْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ» برجسته و دلیل اصلی این اختلافات ناشی از عدم توجه به روایات اهل بیت (ع) است. در نوشتار حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته، میزان تطابق ترجمه‌های معاصر در ترجمه آیه قصاص با بیان اهل بیت (ع) ارزیابی شده است. با بررسی روایات تفسیری و ترجمه‌های مربوط، مشخص می‌شود عبارت «فَاتَّبَعُ بِالْمَعْرُوفِ» با توجه به روایات، ناظر به ولیّ دم است، و معنی آن، تبعیت شایسته ولیّ دم از حقی که در دیه دارد، است، یعنی با قاتل مدارا کند و سخت نگیرد. همچنین عبارت دوم نیز اختصاص به ولیّ دم داشته و منظور از «بَعْدَ ذَلِكَ»، تعدی و زیاده خواهی ولیّ دم بعد از عفو و مصالحه با قاتل است که در برخی ترجمه‌ها، از این بخش معنایی عام و کلی برداشت کرده‌اند.

کلید واژه: ترجمه‌های قرآن، روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام، آیه قصاص، آیه ۱۷۸ سوره بقره..

نقد و ارزیابی ترجمه آیه قصاص (بقره/۱۷۸) بر اساس روایات اهل بیت (ع) - حلیمی جلودار، آقاپور، شیرافکن، موسوی

۱- مقدمه

قرآن که کتاب هدایت برای جهانیان است به زبان عربی مبین نازل شد و لازم است برای ابلاغ پیام آن به همه مردم جهان به زبان‌های گوناگون دنیا ترجمه گردد. نکته‌ای که در ترجمه قرآن برای مترجم بیش از سایر نکات ضروری به نظر می‌رسد، تمرین و ممارست و آشنایی با زبان مبدأ و مقصد است. موضوعاتی نظیر وجود ابهام و اختصار در زبان مبدأ، وجود معانی مشترک و نبود معانی دقیق برای برخی از واژه‌ها در معاجم لغت، مترجم را با چالش روبه رو می‌کند که در این صورت باید از قرائن و سیاق آیات و کلام معصومان علیهم السلام مدد بگیرد. مسأله‌ای که گاهی مورد غفلت واقع شده، عدم توجه به کلام معصومان علیهم السلام در ترجمه آیات مشکل است. این مقاله در راستای ارزیابی و نحوه استنباط و مراجعه مترجمان معاصر به کلام اهل بیت علیهم السلام در ترجمه آیه ۱۷۸ سوره بقره معروف به آیه قصاص که در علم فقه و اصول جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده، است.

در میان ترجمه‌های قرآن کریم اختلاف قابل توجهی مشاهده می‌شود که لازم است صحیح آن از ناصحیح مشخص گردد و به جهت قداست و جایگاه رفیع قرآن، شایسته است اگر ترجمه‌ای از قرآن ارائه می‌گردد تا حد امکان به درستی صورت گیرد. برای ارائه ترجمه صحیحی از قرآن، توجه به کلام معتبر اهل بیت علیهم السلام در این زمینه راه‌گشا و بلکه یکی از نکات ضروری است؛ چنان‌که پیامبر (ص) و به تبع ایشان اهل بیت علیهم السلام مبین و مفسر وحی الهی هستند ﴿أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾. به نظر خوبی ترجمه صحیح منوط به فهم صحیح قرآن است و یکی از نکات ضروری برای فهم صحیح قرآن، توجه به روایات صادر شده از معصومان علیهم السلام در تفسیر قرآن است.^۱ (خویی، بی تا: ۵۱۰).

همچنین با توجه به آیه شریفه ﴿... فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ...﴾؛ (نساء/۵۹) و کلام امام علی (ع) که فرمود: «...فَالرُّدُّ إِلَى اللَّهِ الْأَخْذُ بِمُحْكَمِ كِتَابِهِ وَالرُّدُّ إِلَى الرَّسُولِ الْأَخْذُ بِسُنَّتِهِ الْجَامِعَةِ»؛ (نهج البلاغه، نامه ۵۳) در مواقع اختلاف لازم است آن مسأله به کتاب خدا و سنت پیامبر گرامی اش و به تبع آن، سنت و کلام اهل بیت آن حضرت (ص) عرضه شود.

با استناد به حدیث ثقلین،^۲ کلام اهل بیت علیهم السلام در کنار کلام وحی، مورد تمسک است؛ بلکه کلام معتبر اهل بیت علیهم السلام بهترین معیار برای فهم کلام و مراد خداست، چون ثقل دیگر و عدل آن و به تعبیری «عروة الوثقی» است.

آنچه مد نظر نوشتار حاضر است، نقد و بررسی ترجمه‌های آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (بقره/۱۷۸)، با تکیه بر روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام است.

مسأله و اختلافی که در این آیه شریفه دیده می‌شود و نوشتار حاضر در صدد راه حل آن است، اختلافی است که در دو عبارت ﴿فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ﴾ و ﴿فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ﴾ در متون مترجمان دیده می‌شود. که با بررسی و تطبیق ترجمه‌های معاصر با روایات اهل بیت علیهم السلام، در صدد دستیابی به ترجمه صحیح آن است.

۱-۱- پیشینه پژوهش

در پیشینه موضوع، تاکنون مقاله یا کتابی نوشته نشده است، هر چند مسأله بررسی ترجمه‌های قرآن با معیار روایات، در دو اثر ذیل به رشته تحریر درآمده است.

مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش روایات در ترجمه قرآن کریم»، که به طور موردی برخی آیات را بررسی نموده: آیات ۱۰-۵ سورة نجم، آیات ابتدایی سورة عبس، آیه «مس» سورة واقعه، آیه «قد افلح من تزکی» و آیه «فاذا فرغت فانصب» (شعاعی، ۱۳۸۹: ۱۳۱-۱۰۹). نویسنده، پس از ذکر نکات مهم تفسیری و نیز روایات وارده ذیل برخی آیات، نمونه‌هایی از

نقد و ارزیابی ترجمه آیه قصاص (بقره/۱۷۸) بر اساس روایات اهل بیت (ع) - حلیمی جلودار، آقا پور، شیرافکن، موسوی

تأثیر روایات در ترجمه آیات را بیان می کند.

مقاله ای با عنوان «نقد ترجمه آیه هفتم سوره حمد با بهره گیری از روایات» (حلیمی جلودار و موسوی، ۱۳۹۳: ۷۸-۵۹) به چاپ رسیده است که در صدد تبیین ارتباط وصفی و یا تبیینی عبارت «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» با آیه قبل آن است.

۲- جایگاه روایات تفسیری معصومان در ترجمه آیه قصاص

استفاده مکرر از ضمیر به جای تصریح عناوین در عبارات انتهایی این آیه و تعدد نقش هایی اعم از قاتل، مقتول و ولی دم که از ظاهر کلمات به ذهن متبادر می شود و خصوصاً بکارگیری واژه اخوت و نقش برادری در عبارت «مِنْ أَخِيهِ» موجب اختلاف در متون مترجمان شده و همانطور که بیان شد باید برای فهم صحیح مراد آیه به سیاق آیات و روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام مراجعه کرد. از همین باب برای فهم مراد آیه مورد نظر به روایات مراجعه می شود.

۱-۲. معنای «فَاتَّبَاعُ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ»

جمله مورد بحث در این آیه شریفه جمله «فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَاعُ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ» است. مراد از «مَنْ عَفَىٰ لَهُ» قاتل، و مراد از «أَخِيهِ» ولی دم است و ضمیر در «أَخِيهِ» نیز به او برمی گردد و مراد از اخ قاتل است یعنی «کسی که چیزی به او از طرف برادرش در زمینه خون بها داده شود» و در ترجمه های مورد نظر در این قسمت آیه اختلافی نیست. مفسران هم به این موضوع اشاره کرده اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۱۸۰)؛ اما در این که منظور از دو تعبیر «فَاتَّبَاعُ بِالْمَعْرُوفِ» و «أَدَاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ» چیست و این که چه کسانی هستند، اختلاف قابل توجهی ملاحظه می شود.

در واقع به دنبال این هستیم که بدانیم در این آیه پیروی از روش شایسته و پسندیده عفو وظیفه کیست؟ و چه کسی مسئول پرداخت دیه و خون بها با نیکویی و خوش رویی معرفی شده است؟ با مراجعه به بیان اهل بیت علیهم السلام ذیل این آیه، در می یابیم که تعبیر اول اشاره به ولی دم و دومی اشاره به قاتل دارد.

۱. در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، از قول امام سجاد (ع) در تفسیر این قسمت از آیه آمده است:
 «...» فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَمَنْ عَفِيَ لَهُ الْقَاتِلُ - وَرَضِيَ هُوَ وَوَلِيُّ الْمَقْتُولِ أَنْ يَدْفَعَ الدِّيَّةَ وَعَفَا عَنْهُ بِهَا فَاتِّبَاعٌ مِنَ الْوَلِيِّ (الْمُطَالَبَةُ، وَ) تَقَاصٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ مِنَ (الْمَعْفُو لَهُ) الْقَاتِلِ بِإِحْسَانٍ لَا يُضَارُّهُ وَلَا يُمَاطِلُهُ؛ (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (عَلَيْهِ السَّلَام)، ۵۹۵).
۲. همچنین در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که: اگر انسان حرّ آزاد، برده‌ای را به قتل رساند، قصاص به قتل نمی‌شود؛ بلکه باید به شدت، کتک زده شود و دیه آن عبد را بپردازد و اگر مردی، زنی را به قتل رساند و اولیای مقتول تقاضای قصاص به قتل داشته باشند، باید اولیای مقتول نصف دیه آن مرد را به خانواده او بازگردانند (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱: ۷۵).
۳. امیرالمؤمنین (ع): «نَفْسُ الْمَرْأَةِ لَا تُسَاوِي نَفْسَ الرَّجُلِ بَلْ هِيَ عَلَى النِّصْفِ مِنْهَا فَيَجِبُ إِذَا أَخَذَتِ النَّفْسَ الْكَامِلَةَ أَنْ يُرَدَّ فَضْلُ مَا بَيْنَهُمَا» (برازش، ۱۳۹۴: ج ۱: ۸۲۶).
۴. قال السَّجَّاد (ع): «فَمَنْ عَفِيَ لَهُ الْقَاتِلُ وَرَضِيَ هُوَ وَوَلِيُّ الْمَقْتُولِ أَنْ يَدْفَعَ الدِّيَّةَ وَعَفَا عَنْهُ بِهَا فَاتِّبَاعٌ مِنَ الْوَلِيِّ مُطَالَبَةٌ تَقَاصٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ مِنَ الْعَافِي الْقَاتِلِ بِإِحْسَانٍ لَا يُضَارُّهُ وَلَا يُمَاطِلُهُ» (برازش، ۱۳۹۴: ج ۱: ۸۲۶).
۵. قال الصَّادِق (ع): «يَنْبَغِي لِلَّذِي لَهُ الْحَقُّ أَنْ لَا يَعْسُرَ أَخَاهُ إِذَا كَانَ قَدْ صَالَحَهُ عَلَى دِيَّةٍ وَ يَنْبَغِي لِلَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ أَنْ لَا يَمْطُلَ أَخَاهُ إِذَا قَدَّرَ عَلَى مَا يُعْطِيهِ وَ يُؤَدِّي إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ» (برازش، ۱۳۹۴: ج ۱: ۸۲۶).
۶. قال الصَّادِق (ع): «هُوَ الرَّجُلُ يَقْبَلُ الدِّيَّةَ فَيَنْبَغِي لِلطَّالِبِ أَنْ يَرْفُقَ بِهِ فَلَا يُعْسِرُهُ وَ يَنْبَغِي لِلْمَطْلُوبِ أَنْ يُؤَدِّيَ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ وَ لَا يَمْطُلُهُ إِذَا قَدَّرَ» (برازش، ۱۳۹۴: ج ۱: ۸۲۶).
۷. شیخ کلینی هم در کتاب کافی ضمن حدیثی با سند معتبر نقل می‌کند:
 «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

نقد و ارزیابی ترجمه آیه قصاص (بقره/۱۷۸) بر اساس روایات اهل بیت (ع) - حلیمی جلودار، آقا پور،

شیرافکن، موسوی

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ... ﴿فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ﴾ قَالَ يَنْبَغِي لِلَّذِي لَهُ الْحَقُّ أَنْ لَا يَعْسُرَ أَخَاهُ إِذَا كَانَ قَدْ صَالَحَهُ عَلَى دِيَّةٍ وَ يَنْبَغِي لِلَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ أَنْ لَا يَمْطُلَ أَخَاهُ إِذَا قَدَرَ عَلَى مَا يُعْطِيهِ وَ يُؤَدِّي إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۷: ۳۵۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱: ۷۵).

همه رجال موجود در سند این حدیث، مورد وثوق علمای رجال هستند. از سوی نام علی بن ابراهیم قمی، در شمار اصحاب امام هادی (ع) قرار گرفته و شیخ طوسی به این مسأله اشاره کرده است. نجاشی به پیروی از شیخ طوسی درباره علی بن ابراهیم می گوید: او از افراد مورد وثوق و قابل اعتماد در احادیث و روایات است و مذهب و افکار اعتقادی او کاملاً صحیح است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۰). همین مسأله باعث شده که کلینی حدود ۷۱۴۰ روایت از علی بن ابراهیم نقل کند که از این تعداد، ۶۲۱۴ مورد از آن را از پدرش ابراهیم بن هاشم و او نیز از محمد بن ابی عمیر نقل کرده است که تعداد زیاد روایات علی بن ابراهیم، ستایش و تمجید همگان را به بار آورده است. از این رو عمر رضا کحاله - از دانشمندان اهل سنت - ضمن معرفی او می گوید: علی بن ابراهیم شخصیتی فقیه، مفسر قرآن و اخباری است که احادیث بسیاری را نقل می کند و کلینی از او روایت برگرفته است. از سوی دیگر «محمد بن ابی عمیر» به تصریح نجاشی از اصحاب بزرگ امام کاظم و امام رضا علیهما السلام بوده است و نجاشی در مورد او می گوید: «جليل القدر عظيم المنزلة فينا و عند المخالفين» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۲۶).

امتیاز دیگر ابن ابی عمیر، وجود او در میان «اصحاب اجماع» است، که در میان اهل علم رجال جایگاه ویژه ای دارند. به بیان ابو عمرو کشی، ابن ابی عمیر از جمله کسانی است که علمای امامیه به اتفاق بر صحت روایاتی که به طریق صحیح از جانب آنها نقل شده، حکم می کنند و سخنان آنان را تصدیق نموده و به فقاہت و علمشان اقرار دارند (کشی، ۱۴۰۹: ۵۵۶).^۳

اجمالاً به طوری که برخی گفته اند، معنای این اصطلاح چنین است: «صحیح دانستن روایت اصحاب اجماع، به این صورت که اگر روایت از اول سند تا این افراد صحیح بود، حکم به صحت

می‌شود و دیگر بررسی رجال بین اینان تا معصوم (ع) نیاز نیست.» (غفاری صفت: ۱۳۸۸ش: ۱۸۵).^۴

نکته دیگر این که، در مورد «ابن ابی عمیر» و «احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی» گفته‌اند که جز از ثقه نقل روایت نمی‌کردند و حتی روایات مرسل آنان همانند مسانید آنها حجت و مورد قبول است (سبحانی، ۱۳۸۹: ۱۸۱) و این امر موجب اعتماد بر اخباری می‌شود که آنها روایت کرده‌اند، وقتی آنها خبری را نقل کنند، نشان دهنده این است که مانعی برای عمل به آن خبر وجود ندارد و این در صورتی است که حدیث، محفوف به قرائن صحت صدور از معصوم باشد (غفاری صفت، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

راوی دیگر، حماد بن عثمان از اصحاب معتمد امام صادق (ع) و مورد وثوق علمای رجال است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۴۳)، و به تصریح کشی او هم از اصحاب اجماع به شمار می‌رود (کشی، ۱۴۰۹: ۳۷۵).

اما منظور از «حلبی» در این سند، «عبیدالله بن علی بن ابی‌شعبه حلبی» است. چنان‌که نجاشی و طوسی ضمن معرفی وی، کتابی را به او نسبت داده و در طریقی که برای آن ذکر می‌کنند پیش از نام حلبی، ابن ابی عمیر و حماد بن عثمان را نام می‌برند (مانند حدیث مورد بحث): «... عن ابن ابی عمیر، عن حماد، عن الحلبي» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۳۰؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۳۰۵). نجاشی او و پدر و برادرانش را ثقه معرفی می‌کند: «کانوا جمیعهم ثقات مرجوعا إلى ما یقولون. و کان عبیدالله کبیرهم و وجههم» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۳۰).

۸. مشابه مضمون روایت فوق، در حدیث دیگری از طریق «ابوبصیر اسدی»، که او نیز به گفته «ابوعمر و کشی» از اصحاب اجماع (کشی، ۱۴۰۹: ۲۳۸) و فردی موثق است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۴۱)، از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ^(ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ... (فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَعْ بِالْمَعْرُوفِ وَ

نقد و ارزیابی ترجمه آیه قصاص (بقره/۱۷۸) بر اساس روایات اهل بیت (ع) - حلیمی جلودار، آقا پور،

شیرافکن، موسوی

أَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ﴿۱۷۹﴾ قَالَ هُوَ الرَّجُلُ يَقْبَلُ الدِّيَةَ فَيَنْبَغِي لِلطَّلَبِ أَنْ يَرْفُقَ بِهِ فَلَا يُعْسِرُهُ وَ يَنْبَغِي لِلْمَطْلُوبِ أَنْ يُؤَدِّيَ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَمْطُلُهُ إِذَا قَدَرَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۷، ۳۵۸؛ طوسی، ۱۴۰۷: ج ۱۰، ۱۷۹).

راوی ابوبصیر، علی بن ابی حمزه بطائنی است که به گفته نجاشی از سران واقفیه است؛ یعنی وی ابتدا از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام نقل روایت می کرد؛ ولی در امامت امام کاظم (ع) توقف نموده و پس از شهادت ایشان دیگر به امامت امام رضا (ع) معتقد نشد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۴۹).

علمای حدیث، میان روایاتِ راویِ واقفی قبل از توقف و بعد از آن، تمایز قائل شده اند؛ یعنی اگر ثابت شود که روایت او بعد از توقف باشد، به آن اعتمادی نباید کرد؛ اما به نظر می رسد چون در اینجا روایت را با واسطه ابوبصیر اسدی (که به قول نجاشی او «فائد» و راهنمای ابوبصیر نابینا بود) از امام صادق (ع) نقل کرده و ابوبصیر در سال ۱۵۰ هجری رحلت نمود (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۴۱)، نمی تواند نقل این حدیث بعد از توقف وی، یعنی بعد از شهادت امام کاظم (ع) (سال ۱۸۳) باشد. به علاوه این که، مضمون این حدیث با احادیث دیگر این باب مطابق و همخوان بوده و با آنها تقویت می شود.

راوی دیگر این سند، علی بن حکم است که توسط طوسی در فهرست توثیق شده است: «علی - بن الحکم الکوفی، ثقة، جلیل القدر. له کتاب ... أخبرنا ابن أبي جید، عن ... محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن علی بن الحکم» (طوسی، ۱۴۲۰: ۲۶۴).

به نظر می رسد منظور از تعبیر «ینبغی = شایسته است» در دو روایت فوق، همان «لزوم» باشد؛ چنان که در روایت دیگری امام صادق (ع) این «اتباع و اداء» را امری از جانب خداوند متعال قلمداد کرده است:

«....أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ﴾ مَا ذَلِكَ الشَّيْءُ قَالَ هُوَ

الرَّجُلُ يَقْبَلُ الدِّيَةَ فَأَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الرَّجُلَ الَّذِي لَهُ الْحَقُّ أَنْ يَتَّبِعَهُ بِمَعْرُوفٍ وَلَا يُعْسِرَهُ وَأَمَرَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ أَنْ يُؤَدِّيَ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ إِذَا أَيْسَرَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۷: ۳۵۹) «از امام صادق (ع) پرسیدم منظور از شیء در این آیه چیست؟ فرمود: مراد شخصی است که دیه را [به جای قصاص] می‌پذیرد. پس خداوند عزوجل به صاحب حق، امر فرموده که به نیکی با قاتل رفتار کند و او را برای اداء دین، تحت فشار نگذارد. همچنین [خداوند] به آن‌کس که پرداخت دیه بر عهده اوست، امر فرموده تا ستم نکند و در پرداخت دیه اگر موجود دارد تعلل ننموده و آن را به نیکی و خوشی بپردازد.

این حدیث در کتب معتبر دیگری از جمله دعائم الإسلام (ابن حیون، ۱۳۸۵: ج ۲: ۴۱۲؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۴، ۱۱۱) و تهذیب الأحکام (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۱۰: ۱۷۸) نیز وارد شده است.

در مورد وضعیت سندی این حدیث نیز باید گفت: «احمدبن محمدبن ابی نصر بزنطی» از اصحاب جلیل القدر امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام است: «... لقي الرضا وأبا جعفر (ع)، و كان عظيم المنزلة عندهما...» (نجاشی، ۱۳۶۵: ش: ۷۵)، و نزد علمای رجال شخصیت برجسته و موثق است: «البزنطی، ثقة... له كتاب الجامع، روى عن أبي الحسن موسى» (طوسی، ۱۳۷۳: ش: ۳۵۱).

ضمن این‌که بزنطی هم به تصریح کشی از اصحاب اجماع است (کشی، ۱۴۰۹: ص ۵۵۶) و این قید، دلیل محکمی برای اعتماد به روایات منقول از ایشان است. همچنین گفته می‌شود: «عبدالکریم» موجود در این سند که بزنطی از او روایت کرد، در واقع «عبدالکریم بن عمرو الخثعمی» ملقب به کرام و صاحب کتاب است (طوسی، ۱۴۲۰: ۳۱۴).^۱ وی ابتدا از اصحاب و راویان امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بوده؛ ولی بعداً واقفی می‌شود. با این حال، نجاشی او را به این نحو توثیق نموده که: «... كان ثقة ثقة عينا، يلقب كراما. له كتاب يرويه عدة من أصحابنا...» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۴۵) و شاید این توثیق مربوط به قبل از توقف او باشد، چنان‌که

نقد و ارزیابی ترجمه آیه قصاص (بقره/۱۷۸) بر اساس روایات اهل بیت (ع) - حلیمی جلودار، آقاپور،

شیرافکن، موسوی

ابن داود حلی می گوید: «... کان ثقة ثقة، ثم وقف علی ابی الحسن علیه السلام» (حلی، ۱۳۴۲: ۴۷۵)؛ اما منظور از «سماعه» در حدیث فوق، «سماعه بن مهران»، از راویان امام صادق و امام کاظم علیهما السلام است که نجاشی او را ثقة می داند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۹۳؛ حلی، ۱۴۱۱: ۲۲۸).^۷

طوسی نیز او را صاحب کتاب و البته واقعی مذهب معرفی می کند (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۳۷)؛^۸ اما با توجه به توقف سماعه بعد از موسی بن جعفر (ع) و نقل حدیث مزبور توسط او از امام صادق (ع)، می توان گفت نقل این روایت قبل از واقعی شدن وی بوده است.

به هر حال نمی توان از یک روایت، تنها به خاطر ضعف برخی رجال آن صرف نظر کرد؛ زیرا هم به خاطر وجود راویانی چون «اصحاب اجماع» در سند، و هم هماهنگی با سایر روایات معتبر، و نیز به خاطر اعتماد صاحبان اصول و کتب معتبر به این روایات، ضعف سند قابل اغماض است (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۴۱، طوسی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۵۵).

۲-۱-۱- بررسی اختلاف مترجمان در ترجمه «اتّباع بالمعروف»

همان طور که بیان شد، روایات صریحاً به این نکته اشاره دارند که «اتّباع بالمعروف» ناظر به ولیّ دم، و «أداء إلیه یا حسن» ناظر به قاتل است و لازم است که در ترجمه این آیه شریفه این تمایز مشخص شود. حال این که مشاهده می شود برخی ترجمه ها هر دو تعبیر مورد بحث را در مورد قاتل دانسته اند، به این ترتیب که:

الف) آیتی: پس هر کس که از جانب برادر خود عفو گردد باید که با خشنودی از پی ادای خون بها رود و آن را به وجهی نیکو بدو پردازد (آیتی: ۲۷).

ب) ارفع: اگر کسی از جانب برادر ایمانی خود مورد عفو قرار گیرد، باید از روش شایسته ای پیروی کند و او هم در پرداختن دیه کوتاهی نکند (ارفع: ۲۷).

ج) پاینده: و هر که از [خون] برادر [مقتولش] چیزی به او بخشنده شود، رعایت عرف باید و پرداخت [خون بهای] شایسته به خونخواه (پاینده: ۲۴).

د) **پورجوادی:** اگر کسی از جانب برادر خود عفو شود باید با رعایت عرف از پی ادای خون بها رود و آن را به نیکی به خونخواه بدهد (پورجوادی: ۲۶).

ه) **خواجوی:** پس هر کس از [قاتل، یعنی] برادر دینی خود چیزی را بخواهد گذشت کند [قاتل هم باید] رعایت عرف را کرده و [خون بها] را با رضایت به خونخواه بپردازد (خواجوی: ۱۱).
و) **فولادوند:** هر کس که از جانب برادر [دینی] اش [یعنی ولی مقتول]، چیزی [از حق قصاص] به او گذشت شود، [باید از گذشت ولی مقتول] به طور پسندیده پیروی کند، و با [رعایت] احسان، [خون بها را] به او بپردازد (فولادوند: ۲۷).

ز) **کاویانپور:** پس اگر قاتلی (درباره خون مقتول) مورد عفو برادر (دینی) خود قرار گرفت (و سرپرست مقتول از قصاص صرف نظر کرد) باید از روش پسندیده‌ای پیروی نماید و به نحو شایسته، خون بها را بپردازد (کاویانپور: ۲۷).

ح) **مکارم شیرازی:** پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود، (و حکم قصاص او، تبدیل به خون بها گردد)، باید از راه پسندیده پیروی کند. (و صاحب خون، حال پرداخت کننده دیه را در نظر بگیرد.) و او [قاتل] نیز، به نیکی دیه را (به ولی مقتول) بپردازد (و در آن، مسامحه نکند) (مکارم شیرازی: ۲۷).

ترجمه اخیر با این که مانند موارد قبل، به اشتباه «اتباع بالمعروف» را به قاتل مربوط دانسته؛ اما در پراختز، توضیحی را مطابق با روایات مزبور اضافه نکرده است.

اما در ترجمه معزی که گفته است: «آن کس که بخشیده شده بدو از برادرش چیزی، پس پیروی کردن خوبی و پرداختنی بدو به نکویی». به علت ترجمه تحت اللفظی، معنای مشخصی از آیه کریمه ارائه نکرده است.

در ترجمه مجتبوی هم، بر خلاف ترجمه‌های دیگر، تعبیر «اتباع بالمعروف» به هر دوی قاتل و ولی دم مرتبط شده است، که البته بر اساس روایات، صحیح نیست: «پس هر که از سوی برادر [دینی] خود چیزی [از قصاص] برایش بخشوده شد - یعنی حکم قصاص به پرداخت خون بها

نقد و ارزیابی ترجمه آیه قصاص (بقره/۱۷۸) بر اساس روایات اهل بیت (ع) - حلیمی جلودار، آقاپور،

شیرافکن، موسوی

بدل گردید- پس پیش گرفتن رفتاری نیک و پسندیده باید -بخشنده در پیگیری خون بها و بخشوده شده در سپاس داشتن- و پرداخت [خون بها از سوی قاتل] به او -ولی مقتول- به نیکی گزارده شود».

اما سایر ترجمه ها که این تمایز را به درستی بیان کرده اند، یعنی «اتباع» را مربوط به ولی دم و «اداء» را مربوط به قاتل دانسته اند، از این قرارند:

الف) الهی قمشه ای: و چون صاحب خون از قاتل که برادر دینی اوست بخواهد درگذرد کاری است نیکو، پس قاتل دیه را در کمال خشنودی ادا کند (الهی قمشه ای: ۲۷).

ب) انصاریان: پس کسی که [مرتکب قتل شده چنانچه] از سوی برادر [دینی] اش [که ولی مقتول است] مورد چیزی از عفو قرار گرفت [که به جای قصاص، دیه و خون بها پرداخت شود]؛ پس پیروی از روش شایسته و پسندیده [نسبت به وضع مادی قاتل بر عهده عفو کننده است] و پرداخت دیه و خون بها با نیکویی و خوش رویی [بر عهده قاتل است] (انصاریان: ۲۷).

ج) بروجردی: و اگر صاحب خون از قاتل که برادر دینی اوست صرف نظر کند بدون دیه یا با دیه کاریست نیکو و قاتل باید در کمال خوشنودی دیه را ادا کند (بروجردی: ۴۱).

د) فیض الاسلام: پس کسی (قاتل و کشته ای) که برای او از برادرش (ولی دم که برادر دینی قاتل است) چیزی عفو و گذشت شد (ولی دم او را قصاص ننمود و به دیه و خون بها راضی گشت) پس (آن عفو و گذشت) پیروی کردن از معروف و پسندیده و رساندن (قاتل دیه و خون بها را) به سوی او (ولی مقتول) باید از راه احسان و نیکویی باشد (وارث مقتول در گرفتن خون بها سختگیری نکند و قاتل هم در پرداخت آن کوتاهی ننماید) (فیض الاسلام: ۴۹).

ه) مشکینی: پس هر که (هر قاتلی که) از جانب برادر (دینی) خود (ولی مقتول) مورد چیزی از عفو قرار گرفت (همه حق قصاص یا بعضی از آن را بخشید یا تبدیل به دیه نمود) پس (بر عفو کننده است نسبت به بقیه یا گرفتن دیه) پیروی از معروف، و (بر قاتل است) پرداخت دیه به او به نیکی و احسان (مشکینی: ۲۷).

و) موسوی گرمارودی: و اگر به کسی از جانب برادر (دینی) اش (یعنی ولی دم) گذشتی شود، (بر ولی دم است) که شایسته پیگیری کند و (بر قاتل است که) خون بها را به نیکی به او بپردازد (موسوی گرمارودی: ۲۷).

لازم به ذکر است که ترجمه‌های فوق در نکته‌ای که مطرح شد، مشکلی ندارند؛ ولی بعضی از آنها در معنای «اتباع بالمعروف» بدون اشکال نیستند. مثلاً در ترجمه الهی قمشه‌ای و بروجردی آمده است: «چون صاحب خون از قاتل بخواهد درگذرد کاری است نیکو» و نیز در ترجمه فیض الاسلام: «پس (آن عفو و گذشت) پیروی کردن از معروف و پسندیده»،^۹ که این ترجمه با توجه به روایات مورد نظر مطلوب نیست؛ زیرا از جمع بندی میان روایات این باب استفاده می‌شود که پیام آیه در واقع، نوعی امر ارشادی به ولی دم است در راستای سخت نگرفتن به قاتل و مصالحه و گذشت او با هدف اکتفا کردن به گرفتن دیه و عدم قصاص و تأکید شده که این «تبعیت» باید به «معروف» و طرزی شایسته باشد، یعنی با او مدارا کند و سخت نگیرد. در عبارت «الرَّجُلَ الَّذِي لَهُ الْحَقُّ أَنْ يَتَّبِعَهُ بِمَعْرُوفٍ وَلَا يُعْسِرَهُ» در روایت فوق، ضمیر کلمه «يَتَّبِعَهُ» ظاهراً به «الحق» بر می‌گردد و مفهوم آن این است که ولی دم از این حقی که در مورد دیه دارد، به نحوی شایسته پیروی کند؛ یعنی به قاتل سخت نگیرد.

مرحوم مجلسی در شرح جمله «اتباع بالمعروف» می‌گوید: یعنی ولی دم در طلب خود شدت به خرج ندهد و به قاتل مهلت دهد و بیشتر از حق خود چیزی طلب نکند (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۴: ۱۸۱).^{۱۰}

این مطلب (که وظیفه ولی دم تبعیت از مصالحه است) را می‌توان با ذیل آیه شریفه تأیید نمود که فرمود: «فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ زیرا چنان‌که بعداً گفته خواهد شد، اشاره به این دارد که ولی دم نمی‌تواند بعد از گرفتن خون بها از این حکم تخطی کند و قاتل را بکشد، که در این صورت گرفتار عذاب الهی خواهد شد.

به این ترتیب می‌توان گفت ترجمه‌های مشکینی و انصاریان مطابقت بیشتری با روایات مورد

نقد و ارزیابی ترجمه آیه قصاص (بقره/۱۷۸) بر اساس روایات اهل بیت (ع) - حلیمی جلودار، آقا پور، شیرافکن، موسوی

نظر دارند.

ترجمه‌های متفاوت با روایات	مجتبوی، معزی، مکارم شیرازی، پاینده، کاویانپور، خواجوی، ارفع، فولادوند، آیتی
ترجمه‌های مطابق با روایات	موسوی گرمارودی، بروجردی، فیض الاسلام، مشکینی، انصاریان، الهی قمشه‌ای

۲-۲- معنای ﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ﴾

جمله مورد بحث دیگر، عبارت ﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ می‌باشد که پس از بیان وظایف ولی دم و قاتل، در انتهای آیه کریمه، به این ترتیب آمده است: ﴿فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾. اکنون سخن در این است که عبارت مورد نظر مربوط به چه کسی است و کلمه ﴿ذلک﴾ در دو جمله ﴿ذَلِكَ تَخْفِيفٌ...﴾ و ﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ﴾ به چه چیزی بر می‌گردد؟ ابتدا روایات مربوط به این فراز آیه که در بخش پیشین نیز مورد ارزیابی متنی و سندی قرار گرفتند آورده می‌شود.

این جمله در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) به این صورت تبیین شده است: «... ﴿ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ﴾ إِذْ أَجَازَ أَنْ يَغْفُوَ وَلِيُّ الْمَقْتُولِ عَنِ الْقَاتِلِ عَلَىٰ دِيَّةٍ يَأْخُذُهَا، فَإِنَّهُ لَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُ إِلَّا الْقَتْلُ أَوْ الْعَفْوُ لَقَلَّمَا طَابَ نَفْسٌ وَلِيُّ الْمَقْتُولِ بِالْعَفْوِ بِلَا عَوَضٍ يَأْخُذُهُ فَكَانَ قَلَمًا يَسْلَمُ الْقَاتِلُ مِنَ الْقَتْلِ. ﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ﴾ مَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ الْعَفْوِ عَنِ الْقَتْلِ بِمَا يَأْخُذُهُ مِنَ الدِّيَةِ - فَقَتَلَ الْقَاتِلُ بَعْدَ عَفْوِهِ عَنْهُ بِالْدِّيَةِ - الَّتِي بَذَلَهَا وَرَضِيَ هُوَ بِهَا ﴿فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ فِي الْآخِرَةِ عِنْدَ اللَّهِ وَفِي الدُّنْيَا الْقَتْلُ بِالْقِصَاصِ لِقَتْلِهِ لِمَنْ لَا يَحِلُّ قَتْلُهُ لَهُ» (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، ۱۴۰۹: ۵۹۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۹: ۵۴).

روشن است که بر طبق این حدیث، مراد از ﴿مَنْ اعْتَدَىٰ﴾ ولی دم است، و کلمه ﴿ذلک﴾ نیز اشاره به عفو از قصاص و مصالحه با قاتل دارد. یعنی کسی که بعد از صرف نظر کردن از کشتن قاتل در

قبال دیه، از حد خود تجاوز نموده و اقدام به کشتن قاتل کند، شایسته عذابی دردناک نزد خدا در آخرت است. این معنا در روایات معتبر دیگری نیز وارد شده است.

کلینی ذیل باب «الرَّجُلُ يَتَصَدَّقُ بِالْذِّبَةِ عَلَى الْقَاتِلِ وَ الرَّجُلُ يَعْتَدِي بَعْدَ الْعَفْوِ فَيَقْتُلُ» روایتی از امام صادق (ع) با این سند ذکر می‌کند: «عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ فَقَالَ الرَّجُلُ يَغْفُو أَوْ يَأْخُذُ الذِّبَةَ ثُمَّ يَجْرَحُ صَاحِبَهُ أَوْ يَقْتُلُهُ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ». (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۷: ۳۵۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱: ۷۵؛ ابن حیون، ۱۳۸۵ق: ج ۲: ۴۱۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۰: ۱۷۸)؛ یعنی منظور مردی است که از قصاص می‌گذرد یا دیه می‌گیرد؛ اما پس از آن، قاتل را مجروح کرده یا به قتل می‌رساند.

پیش از این در مورد احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی و حلبی، مطالبی گذشت؛ اما دو روایت دیگر این سند یعنی، ابی جمیل (حلی، ۱۴۱۱ق: ص ۲۵۸) و سهل بن زیاد (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۱۸۵) تضعیف شده‌اند؛ البته مضمون این حدیث منحصر به این طریق نیست؛ بلکه به دو طریق دیگر نیز در کتب معتبر حدیثی وارد شده است (که قبلاً مورد ارزیابی قرار گرفتند)، به این ترتیب که:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: ... وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ فَقَالَ هُوَ الرَّجُلُ يَقْبَلُ الذِّبَةَ أَوْ يَغْفُو أَوْ يُصَالِحُ ثُمَّ يَعْتَدِي فَيَقْتُلُ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ». (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۷: ۳۵۸؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۰: ۱۷۹).

و همچنین: «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) ... قُلْتُ أَرَأَيْتَ قَوْلَهُ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ قَالَ هُوَ الرَّجُلُ يَقْبَلُ الذِّبَةَ أَوْ يُصَالِحُ ثُمَّ يَجِيءُ بَعْدَ ذَلِكَ فَيُمَثِّلُ أَوْ يَقْتُلُ فَوَعَدَهُ اللَّهُ عَذَاباً أَلِيماً» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۷: ۳۵۹؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۴: ۱۱۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۰: ۱۷۹).^{۱۱}

نقد و ارزیابی ترجمه آیه قصاص (بقره/۱۷۸) بر اساس روایات اهل بیت (ع) - حلیمی جلودار، آقا پور،

شیرافکن، موسوی

بنابراین، مفاد روایات فوق این است که پس از آن که ولی دم و قاتل بر عفو از قصاص، موافقت و مصالحه کردند، دیگر حقی برای ولی دم باقی نمی ماند که بخواهد با قاتل معامله به مثل کند و او را بکشد.

۲-۲-۱- بررسی اختلاف مترجمان در ترجمه ﴿فَمَنْ اعْتَدَى...﴾

برخی از ترجمه های معاصر، در این که این جمله مربوط به چه کسی است اختلاف دارند. از ظاهر برخی ترجمه ها معنایی عام و کلی برداشت می شود، نه این که مختص ولی دم باشد. البته ظاهر لفظ ﴿فَمَنْ اعْتَدَى...﴾ چنین افاده ای دارد؛ ولی اگر قرار باشد معنا و مراد متکلم منتقل گردد، نمی توان تنها به ظاهر الفاظ آیات بسنده کرد. ترجمه هایی که به این صورت هستند از این قرارند: الف) آیتی: این حکم، تخفیف و رحمتی است از جانب پروردگارتان و هر که از آن سرباز زند، بهره او عذابی است دردآور (آیتی: ۲۷).

ب) ارفع: این، تخفیف و لطفی از پروردگار شماست و هر که بعد از این دستور تجاوز کند، عذاب دردناکی در انتظار اوست (ارفع: ۲۷).

ج) الهی قمشه ای: در این حکم، تخفیف (امر قصاص) و رحمت خداوندی است، و پس از این دستور، هر که تجاوز کند او را عذابی سخت خواهد بود (الهی قمشه ای: ۲۷).

د) بروجردی: در این حکم، تخفیف و رحمتی است از جانب خدا و هر کس از این قانون و حکم سرکشی کند از برای او عذاب دردناکی خواهد بود (بروجردی: ۴۱).

ه) پاینده: این، تخفیفی است و مرحمتی از پروردگارتان و هر که پس از این تجاوز کند، عذابی الم انگیز دارد (پاینده: ۲۴).

و) پورجوادی: این، آسانگیری و بخشایشی است از پروردگار شما و کسی که بعد از آن تجاوز کند عذاب دردناکی خواهد داشت (پورجوادی: ۲۶).

ز) خواجوی: این، تخفیفی از جانب پروردگارتان است و رفاهی برای شما، پس هر کس که بعد از این ستم کند عذابی دردناک در پی دارد (خواجوی: ۱۱).

ح) فولادوند: این [حکم] تخفیف و رحمتی از پروردگار شماسست پس هر کس، بعد از آن از اندازه درگذرد، وی را عذابی دردناک است (فولادوند: ۲۷).

ط) کاویانپور: این حکم، تخفیف و رحمتی است از جانب پروردگارتان. بعد از این هر کس از این حکم تجاوز کند، عذابی بس دردناک برای اوست (کاویانپور: ۲۷).

ی) معزی: این کاهشی است از پروردگار شما و رحمتی، پس آنکه تعدی کند پس از این، او را است عذابی دردناک (معزی: ۲۷).

ک) مکارم: این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما! و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت (مکارم: ۲۷).

ل) موسوی گرمارودی: این، آسانگیری و بخشایشی از سوی پروردگار شماسست و هر که پس از آن از اندازه درگذرد عذابی دردناک خواهد داشت (موسوی گرمارودی: ۲۷).

اما ترجمه‌های برگزیده که مطابق با روایات اهل بیت علیهم السلام هستند به صورت زیر است:
الف) انصاریان: هر که بعد از عفو، تجاوز کند [و به قصاص قاتل برخیزد] برای او عذابی دردناک است (انصاریان: ۲۷).

ب) فیض الاسلام: کسی که پس از (گرفتن) آن (خون‌بها یا پس از عفو) تجاوز کند (قاتل را بکشد) برای او (در آخرت) عذاب و شکنجه دردناک است (فیض الاسلام: ۲۷).

ج) مشکینی: پس هر که بعد از عفو، تجاوز کرد (قاتل را کشت) او را عذابی دردناک خواهد بود (مشکینی: ۲۷).

د) مجتبی: هر که پس از آن - عفوکردن و دیه‌ستاندن - از اندازه درگذرد او را عذابی است دردناک (مجتبی: ۲۷).

۲-۲-۲- تحلیل و بررسی

بر مبنای آنچه مورد بررسی و مذاقه قرار گرفت، نگاه ما این است که جمله ﴿فَاتَّبَاعُ بِالْمَعْرُوفِ﴾ که بر سبیل ایجاز آمده، مربوط به ولی دم، و عبارت ﴿أَدَاءُ إِلَيْهِ...﴾ مربوط به قاتل است.

نقد و ارزیابی ترجمه آیه قصاص (بقره/۱۷۸) بر اساس روایات اهل بیت (ع) - حلیمی جلودار، آقاپور،

شیرافکن، موسوی

همچنین عبارت ﴿فَمَنْ اعْتَدَى...﴾ در انتهای آیه شریفه در مورد ولی دم و تعدی و تجاوز او نسبت به قاتل بعد از عفو و یا گرفتن دیه است که برخی مترجمان به این نکته توجه نداشته‌اند.

با بررسی ترجمه‌های فوق، مراد از کلمه ﴿ذَلِكَ﴾ که «عفو و یا گرفتن دیه» است، مشخص شد و به همین ترتیب، مراد از ﴿مَنْ اعْتَدَى﴾ نیز که ولی دم است، معلوم می‌شود.

ترجمه‌های متفاوت با روایات	موسوی گرمارودی، معزی، مکارم‌شیرازی، پاینده، کاویانپور، خواجوی، ارفع، فولادوند، آیتی، بروجردی، الهی‌قمشه‌ای
ترجمه‌های مطابق با روایات	انصاریان، مجتبوی، فیض‌الاسلام، مشکینی

۳- تقویت نظر مختار

با توجه به مباحث مطروحه برای تأیید دقیق‌تر نظر مختار، به دو نکته اشاره می‌شود:

اول این‌که با بررسی تفاسیر مختلف روایی و غیرروایی فریقین (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۱: ۳۷۸-۳۷۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۱: ۱۷۳؛ حویزی عروسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱: ۱۵۸-۱۵۷؛ طوسی، بی‌تا: ج ۲: ۱۰۴-۱۰۱؛ حوی، ۱۴۲۴ق: ج ۱: ۳۹۷؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ج ۳: ۲۱۸-۲۱۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۱: ۲۲۱-۲۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱: ۴۴۷-۴۴۸؛ رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۵: ۲۲۵؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱: ۶۰۵-۶۰۴) و کتب روایی، مشاهده می‌شود که اکثر روایات اهل بیت موافق نظر مذکور هستند، هرچند صاحب مجمع البیان ضمن تأیید و ترجیح قول مختار، نظر دومی را از قول مالک نقل می‌کند که «منظور از ﴿فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ﴾ ولی مقتول است و ضمیر در ﴿أَخِيهِ﴾ نیز به او برمی‌گردد و مراد از

اخ، قاتل است؛ یعنی کسی که چیزی به او از طرف برادرش در زمینه خون بها داده شود؛ ولی تأکید دارند که قول مختار، ظاهرتر است» (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱: ۴۸۰).
دوم این که با مطالعه در تفاسیر، سیاق آیه با روایات مختار، سازگار است و بین سیاق و روایات مذکور مغایرتی وجود ندارد.

۴- نتیجه گیری

با توجه به آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام در میان ترجمه های معاصر، در ترجمه بخشی از آیه ۱۷۸ سوره بقره (آیه قصاص) ﴿..... فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾، نتایج زیر حاصل می شود:

۱. آنچه در این پژوهش تأکید شد این است که در ترجمه، تنها به معنای لغوی و ظاهر آیه بسنده نشود؛ بلکه از ادله های کمکی دیگر نیز بهره کافی گرفته شود. خصوصاً باید به روایات معتبر اهل بیت علیهم السلام توجه کرد.

۲. توجه به تفصیل عبارات قرآنی با عنایت به موجز بودن آیات قرآن، مورد دیگری بود که در این پژوهش بدان توجه داده شد. چرا که شاید از ظاهر الفاظ آیه، بتوان معنا و ترجمه ای مناسب به دست آورد؛ اما باید توجه داشت که هدف از ترجمه، تنها برگرداندن الفاظ نیست؛ بلکه انتقال مراد متکلم و مراجعه به روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام، تأثیر به سزایی در ترجمه قرآن دارد. در فرایند نوشتار، تبیین شد که چه بسا آیه شریفه دارای ایجاز باشد که پیام اصلی و مفصل آن، در کلام معلّمان حقیقی قرآن کریم یافت شود.

۳. در ترجمه عبارت انتهایی آیه ۱۷۸ سوره بقره (آیه قصاص) میان مترجمان معاصر اختلاف است که به این دو تعبیر مربوط می شود: ﴿فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ...﴾ و ﴿فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ﴾. عبارت ﴿فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ﴾ با توجه به روایات، ناظر به ولی دم است، و معنی آن، تبعیت شایسته ولی دم از حقی که در دیه دارد، است؛ یعنی با قاتل مدارا کند و سخت نگیرد؛ اما عبارت دوم،

نقد و ارزیابی ترجمه آیه قصاص (بقره/۱۷۸) بر اساس روایات اهل بیت (ع) - حلیمی جلودار، آقا پور،

شیرافکن، موسوی

مربوط به ولی دم بوده و منظور از ﴿بعد ذلک﴾، تعدی بعد از عفو و مصالحه با قاتل است؛ ولی در برخی ترجمه‌ها، این بخش به صورت کلی گویی و مبهم ترجمه شده است.

پی‌نوشت

۱. و لا بد إذن فی ترجمة القرآن من فهمه، و ينحصر فهمه في أمور ثلاثة: ... ۳- ما جاء من المعصوم في تفسيره».
۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ». (ابن بابويه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۶۲).
۳. «أَجْمَعَ أَصْحَابُنَا عَلَى تَصْحِيحِ مَا يَصِحُّ عَنْ هَؤُلَاءِ وَ تَصْدِيقِهِمْ، وَ أَقْرَأُوا لَهُمْ بِالْفِقْهِ وَ الْعِلْمِ: وَ هُمْ سِتَّةٌ نَفَرٍ، مِنْهُمْ ... محمد بن ابی عمیر، ...».
۴. هر چند که به گفته برخی دیگر، «عبارت کشی تنها بر وثاقت اصحاب اجماع دلالت دارد، نه بر صحت اخبار آنان، و نه بر وثاقت مشایخ آنان» (سبحانی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۱).
۵. «علي بن أبي حمزة البطائني، و كان قائد أبي بصير يحيى بن القاسم ... روى عن أبي الحسن موسى عليه السلام، و روى عن أبي عبد الله عليه السلام، ثم وقف، و هو أحد عمد الواقعة».
۶. «له كتاب. أخبرنا أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان ...، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطي، عن عبد الكريم بن عمرو الخثعمي».
۷. «سماعة بن مهران الحضرمي، ... روى عن أبي عبد الله و أبي الحسن عليهما السلام، و مات بالمدينة، ثقة ثقة».
۸. «سماعة بن مهران، ... كوفي له كتاب، روى عن أبي عبد الله، واقفي».
۹. هر چند ایشان سپس در پراتنز این مطلب را اضافه می کنند: «(وارث مقتول در گرفتن خونبها سختگیری نکند و قاتل هم در پرداخت آن کوتاهی ننماید)».
۱۰. «أي فعل العافي اتباع بالمعروف، أي لا يشدد في الطلب، و ينظره إن كان معسرا و لا يطالبه بالزيادة على حقه».
۱۱. البته شیخ صدوق در این سند برخلاف شیخ کلینی و طوسی، پس از نام سماعه از ابو بصیر نام می برد.

منابع

قرآن کریم

۱. ترجمه‌های موسوی گرمارودی، بروجردی، فیض الاسلام، مشکینی، انصاریان، الهی قمشاهی، مجتبی، معزی، مکارم شیرازی، پاینده، کاویانپور، خواجه‌ای، ارفع، فولادوند، آیتی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ پنجم، تهران: آثار فرهنگ برتر، (۱۳۹۸).
۳. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیة. (۱۴۱۵ق).
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲، (۱۴۱۳ق).
۵. _____، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، تهران: نشر جهان، چ ۱، (۱۳۷۸ق).
۶. ابن حیون، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چ ۲، (۱۳۸۵ق).
۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسة البعثة، (۱۴۱۵ق).
۸. برازش، علیرضا، تفسیر اهل بیت (ع)، تهران: امیرکبیر، (۱۳۹۴ش).
۹. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام)، قم: مدرسه الإمام المهدي علیه السلام، (۱۴۰۹ق).
۱۰. حر عاملی، محمد، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چ ۱، (۱۴۰۹ق).
۱۱. حلی، حسن بن علی بن داود، الرجال، تهران: دانشگاه تهران، چ ۱، (۱۳۴۲ش).
۱۲. حلی، حسن بن یوسف، رجال، نجف اشرف: دارالذخائر، چ ۲، (۱۴۱۱ق).
۱۳. حلیمی جلودار، حبیب‌الله و موسوی، سید مهدی، پژوهشهای ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۰، تابستان (۱۳۹۳ش).
۱۴. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تصحیح: رسولی، هاشم، قم: اسماعیلیان، چ ۴، (۱۴۱۵ق).
۱۵. حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، قاهره: دار السلام، چ ۶، (۱۴۲۴ق).
۱۶. خویی، سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: دارالزهراء، (بی‌تا).
۱۷. رازی، محمد بن عمر (فخر رازی)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چ ۳، (۱۴۲۰ق).
۱۸. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل،

نقد و ارزیابی ترجمه آیه قصاص (بقره/۱۷۸) بر اساس روایات اهل بیت (ع) - حلیمی جلودار، آقا پور، شیرافکن، موسوی

- بیروت: دار الكتاب العربی، ج ۳، (۱۴۰۷ق).
۱۹. سبحانی، جعفر، کلیات فی علم رجال، ترجمه: مسلم قلی پور، قم: انتشارات قدس، چ ۵، (۱۳۸۹).
۲۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، (۱۴۰۴ق).
۲۱. شعاعی، علی اصغر، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن، شماره ۷، تابستان (۱۳۸۹).
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چ ۳، (۱۳۷۲ش).
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چ ۴، (۱۴۰۷ق).
۲۴. -----، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (بی تا).
۲۵. -----، الرجال، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چ ۳، (۱۳۷۳ش).
۲۶. -----، فهرست کتب الشیعة وأصولهم وأسماء المصنفین وأصحاب الأصول، قم: مکتبة المحقق الطباطبائی، چ ۱، (۱۴۲۰ق).
۲۷. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعة العلمیة، چ ۱، (۱۳۸۰ق).
۲۸. غفاری صفت، علی اکبر، دراسات فی علم الدراية، ترجمه: ولی الله حسومی، قم: دانشکده اصول الدین، (۱۳۸۸ش).
۲۹. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک، (۱۴۱۹ق).
۳۰. کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، چ ۱، (۱۴۰۹ق).
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چ ۴، (۱۴۰۷ق).
۳۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چ ۲، (۱۴۰۳ق).
۳۳. -----، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۲، (۱۴۰۴ق).
۳۴. محقق داماد، محمد باقر بن محمد، الرواشح السماویة، قم: مؤسسه دار الحدیث، (۱۳۸۰ش).
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چ ۱۰، (۱۳۷۱ش).
۳۶. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چ ۶، (۱۳۶۵ش).